

بنا نبوده و نیست که نظر اکثریت مردم شنیده شود| اگر اکثریت مردم خواهان تغییرات بنیادی در قانون اساسی و شکل حکمرانی باشند چه باید بکنند؟| این حجم عظیم خشونت و کینه نسبت به آحاد جامعه از سوی نیروهای تندرو مستقر در حاکمیت ریشه در کجا دارد؟

وضعیت کنونی بسیاری را بهت زده و پشیمان کرده است!



عبدالمنعم نوری، وزیر کشور دولت سید محمد خاتمی در بیانیه‌ای به نسبت به روند برخورد با معترضین و همچنین عملکرد برخی نهادها انتقاد کرده است.

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از اعتماد آنلاین، به گفته نوری، پس از جانباختن مهسا امینی «جمعیتی فراوان از جوانان، زنان و اقشار گوناگون جامعه در اعتراض به آن رویداد تلخ و ناگوار، جنبشی را به راه انداختند که ریشه در ناراضی‌گسترده‌ی برخاسته از ناکارآمدی حکومت در برآورده کردن انتظارات و خواست عمومی داشت.»

او شرایط آغاز اعتراضات را «انسداد سیاسی و اجتماعی و ناکامی اصلاحات» دانسته که به نظر او «هیچ امیدی به بهبود وضعیت فروبسته‌ی معیشتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی وجود نداشت. در این شرایط «کثیری از مردم» در اعتراض به وضع موجود و «به ویژه محرومیت از زندگی شرافتمندانه و پامال شدن حقوق اولیه خود» به خیابان‌ها آمدند.

او شعار معترضان یعنی «زن، زندگی، آزادی» را «پرمعنا و تاثیرگذار» ارزیابی کرده و تاکید کرده که آنها «فریاد مظلومیت سر دادند و خواستار آزادی و رفع فساد و تبعیض و اجرای عدالت و حکمرانی عالمانه، عادلانه و پاسخگو شدند.»

او با انتقاد از نحوه برخورد با معترضین گفته «به جای شنیدن صدای معترضان و توجه به ریشه‌ها و زمینه‌های درونی اعتراضات و نقش خود» این اعتراضات به صورت مطلق «به عوامل و رسانه‌های بیگانه» منتسب شده است.

به اعتقاد نوری نوع برخورد که همراه با «خشونت» بود که اعتراضات را در شهرهای ایران گسترش داد:

«وضعیت کنونی و برخوردها» موجب شده تا بسیاری از افرادی که در پیروزی انقلاب، جنگ تحمیلی و سال‌های بعد از آن نقشی داشته‌اند را «بهت زده و پشیمان» کرده و «در برابر انبوهی از پرسش‌ها که به ویژه از طرف جوانان با آن مواجه می شوند پاسخی جز سکوت و یا اظهار تأسف و ندامت ندارند.»

او با اشاره به کشته شدن «کیان پیرفلک» و دیگر افراد و همچنین بازداشت‌ها نوشته که آیا این اقدامات دستاوردی جز «دامن زدن به ناراضی‌ها و افزایش نفرت عمومی داشته است؟ این حجم عظیم خشونت و کینه نسبت به آحاد جامعه از دانشگاهی تا معلم از پزشک تا وکیل از هنرمند تا ورزشکار از کارگر تا کشاورز و از خبرنگار تا هر آنکه گفتار، رفتار و کردار حاکمیت را قبول ندارد از سوی نیروهای تندرو مستقر در حاکمیت که به قدرت سلاح و سرکوب و رسانه و تربیون و تئوریسین‌های خشونت طلب مجهز ریشه در کجا دارد و چرا حاکمیت به جای اصلاح شیوه حکمرانی و تن دادن به خواسته‌های اکثریت مردم اینگونه رفتار می‌کند؟

او «سیاست‌گذاری‌های نادرست داخلی و استراتژی تقابلی و هزینه‌زا در سیاست خارجی» را مسبب خروج کشور از «مدار توسعه و فرو بردن انبوهی از جمعیت به زیر خط فقر مطلق» دانسته است.

نوری با تأکید بر اینکه «جریانی ضد ایرانی همانند اسرائیل که به راحتی دست به ترور، انفجار و دزدی اسناد می‌زند» نوشته آیا این «احتمال» وجود ندارد که همین جریانات «در محافل تصمیم‌ساز حاکمیت نفوذ کرده تا با حکمرانی ضد توسعه و در تقابل با منافع ملی، ایران را تبدیل به سرزمین سوخته کند؟» و ضمن «مقابله با هر نوع آزادی‌خواهی» و خاموش کردن اعتراضات، «جوانان معترض این سرزمین را از اصل دین و آموزه‌های آن متنفر سازد؟» چرا حاکمیت «با وجود مشکلات فوق‌العاده‌ای که در زمینه‌های گوناگون با آن روبرو شده» با «تعامل و همدلی» به معترضان و به خصوص جوانان پاسخ داده نمی‌شود.

او وضع موجود را «بن‌بست» قلمداد کرده و این وضعیت را ناشی از آن دانسته که «بنا نبوده و نیست که سخن و نظر اکثریت مردم شنیده شود یا سخن و نظر مردم تفسیر به رأی حاکمان می‌شود. معترض و منتقد چگونه باید مخالفت خود را نظرات و تصمیمات اتخاذ شده از سوی نظام مطرح کنند؟ اهداف انقلاب اسلامی با واقعیت امروز ایران و حکمرانی مستقر تفاوت‌های زیادی دارد. اگر اکثریت مردم خواهان تغییرات بنیادی در قانون اساسی و شکل حکمرانی باشند چه باید بکنند؟»

او از آنچه سکوت «مراجع و علمای شیعه در برابر رفتار و عملکرد حکومت» خوانده انتقاد کرده است.

به اعتقاد عبدا[ ] نوری «تداوم حکومت بدون کسب رضایت اکثریت مردم» مشکلات بسیاری را همراه خواهد داشت و «تنها راه برون رفت از بحران» را «اقدامات اساسی و سریع در جهت کسب رضایت مردم» ارزیابی کرده است.

نوری نوشته که «اعمال و رفتارهای خشونت بار، گسترش آشوب و هرج و مرج و به‌طور کلی غبارآلود شدن فضای کشور» برای آنچه که «سرکوب، اعمال حداکثر قدرت و ارباب» خوانده، بسترسازی خواهد کرد.

او در پایان با تسلیت به «خانواده‌های همه قربانیان خشونت‌های اخیر و اظهار همدردی با تمامی آسیب‌دیدگان» از ایرانیان سراسر جهان خواسته تا «تکثر و تنوع اندیشه‌ها و جریان‌ها را به رسمیت بشناسند و در تمامی فعالیت‌ها و سخنان‌شان، حفظ تمامیت ارضی ایران، حفظ منابع و منافع ملی ایران، حفظ تمامی زیرساخت‌ها و صنایع ایران و حفظ جان تمامی ایرانیان، مبنای وحدت و اتفاق نظرشان باشد.»

برچسب ها: [اعتراض](#) [1]

[اصلاحات](#) [2]

[زندان](#) [3]